

عمران شهری و توجه به محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه اجتماعی برمکیان

شهرام یوسفی‌فر، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران
سید احسان صادقیان دهکردی، دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)*

چکیده

تلاش‌ها و کنش‌های معطوف به عمران و آبادانی محیط‌زیست از جانب خاندان برمکی را می‌توان از منظر گرایش‌های دینی- اعتقادی آن‌ها در دو دوره‌ی قبل و بعد از اسلام ریشه‌یابی و کنش‌های عمرانی- زیربنایی خاندان برمکی را از منظر الهیات محیط‌زیستی خوانش نمود. مسئله‌ی این پژوهش تبیین چرایی و چگونگی تأثیرگذاری آموزه‌های اعتقادی و دینی در رویکردهای محیط‌زیستی برامکه است. در پاسخ به این پرسش‌ها که مهم‌ترین منشأهای اعتقادی و دینی که برکنش‌های معطوف به حفاظت، آبادانی، رونق و شکوفایی محیط‌زیست از جانب برامکه تأثیر گذاشته‌اند، کدام بوده‌اند و چگونه بر رویکرد خاندان برمکی در توجه به محیط‌زیست تأثیر گذاشته‌اند؟ فرضیه مطرح این است که رویکردهای عمرانی، اقتصادی و فرهنگی اتخاذشده توسط خاندان برمکی در حوزه محیط‌زیستی، از دو ساحت فرهنگی ایرانی و اسلامی تغذیه می‌شد. این تحقیق به روش تاریخی (توصیفی-تحلیلی) انجام شد و در آن نشان داده می‌شود برمکیان که اولین خاندان ایرانی وارد در سیاست‌گذاری اجتماعی بعد از اسلام بودند، از الهیات محیط‌زیستی آموزه‌های دینی زرتشتی و اسلام متأثر بوده و از سوی دیگر، گاه از رویکرد اعتقادی- فقهی به این مقوله نگاه می‌کردند.

واژگان کلیدی: برمکیان، محیط‌زیست، آموزه‌های دینی محیط‌زیستی.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۰

*E-mail: ehsansadeghian@ut.ac.ir

مقدمه

نفوذ تدریجی عنصر ایرانی به ساختار سیاست دوره‌ی اسلامی، فرهنگ ایرانی را به دوره‌ی اسلامی منتقل ساخت که درباره‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این انتقال پژوهش‌ها و نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته در دوران انتقال میراث باستانی ایران به دوره‌ی اسلامی، انتقال میراثی از مقولات محیط‌زیستی نهفته در سنت معماری، کشاورزی، باغ‌سازی، حفظ منابع آبی و غیره در سنت ایران باستان بود که می‌توان در آن تلاشی جدی در جهت تطابق و موازنه‌ی بهتر انسان با محیط‌زیست را رصد نمود. در واقع، ایرانیان انتقال‌دهندگان این میراث تاریخی پراهمیت بودند که در ادوار بعدی به صورتی جدی مورد توجه حاکمان و دیوان‌سالاران مسلمان نیز قرار گرفت.

این میراث تاریخی، با تأکیدی که در آموزه‌های اسلامی بر حفظ و پاسداری از ابعاد و وجوه گوناگون محیط‌زیست شده بود، تلفیقی شگفت‌انگیز از رونق و شکوفایی را با خود به همراه آورد که مهم‌ترین بُعد آن، توجه به ظرفیت‌های محیطی، تلاش برای پراهمیت جلوه دادن اکولوژی با تکیه بر آموزه‌های دینی- اعتقادی، لزوم حفظ و حراست از محیط‌زیست و نیز احترام به آن، پرهیز از رساندن هرگونه صدمه و آسیب و درعین‌حال تلاش برای رونق بخشیدن هر چه بیشتر به محیط‌زیست، زیباسازی و پرشکوه جلوه دادن ابعاد محیط‌زیست و عواملی از این دست بود. در این زمینه، آن دسته از خاندان‌ها و یا شخصیت‌های ایرانی‌ای که در نخستین دوره‌های پس از اسلام، انتقال‌دهنده‌ی بخشی از این آموزه‌های ایرانی به سنت اسلامی بودند، جایگاه پراهمیت‌تری داشتند. خاندان ایرانی برامکه را می‌توان در زمره‌ی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خاندان‌های ایرانی دانست که به فاصله‌ی حدود یک قرن و نیم از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، در بالاترین ارکان سیاست و قدرت در دربار خلفای خلفای عباسی به نفوذی جدی دست یافتند و به تأثیرگذاری بر مناسبات قدرت و نیز انتقال بخشی از آموزه‌های فرهنگی- زیست‌شناختی ایران باستان به این دوره پرداختند بنابراین، محیط‌زیست (۱) به‌مثابه‌ی بیرونی‌ترین وجه حیات آدمی که بستری برای دخل و تصرف‌های زیبایی‌شناسانه در اختیار وی می‌نهاد، در کانون توجهات برمکیان قرار می‌گرفت. این توجهات وسیع به محیط‌زیست هم از منظر چگونگی بهره‌برداری از ظرفیت‌های محیطی قابل تأمل بود و هم از منظر تلاش در جهت هرچه زیباتر ساختن این محیط. به این معنی که هرگونه کنشی که این خاندان در جهت رونق بخشیدن به فضاهای اکولوژیکی از خود نشان می‌دادند، رگه‌هایی از آن را می‌شد هم در الهیات محیط‌زیستی زرتشتی در

دوره‌ی قبل از اسلام رصد نمود و هم در الهیات محیطزیستی اسلامی (۲). در اینجا همچنین می‌توان با پیش‌فرض گرفتن آموزه‌های زیست‌بوم‌گرایی بودائی در منطقه شرق ایران و نیز نزد نسل‌های متقدم‌تر برمکیان، تمایل درونی و اعتقادی و نیز احترام و تواضع آن‌ها به محیطزیست را نیز نام برد که البته ورود به جزئیات این بحث نیازمند بحثی جداگانه است.

بنابراین، مسئله در این پژوهش تبیین چرایی و چگونگی تأثیر مهم‌ترین منشأها و مآخذ اعتقادی در دو وجه فرهنگ ملی- اعتقادی بر توجهات برمکیان به محیطزیست در دوره‌ی اول خلافت عباسی است. مهم‌ترین فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. اهمیتی که این آموزه‌های اعتقادی ایرانی- اسلامی نسبت به محیطزیست قائل شده است، بر رویکرد خاندان برمکی به‌مثابه‌ی یک خاندان پرنفوذ مسلمان ایرانی در توجه به محیطزیست تأثیر گذاشته است.

۲. ارزش و اهمیتی که در این آموزه‌های اعتقادی به پاره‌ای عناصر طبیعی مانند آب‌و‌خاک داده شده بود، تا حدودی جنبه‌ی تقدس به خود گرفت و همین نکته در گرایش و تمایل این خاندان بر رونق و شکوفایی و محافظت از آن تأثیر گذاشت.

۳. خاندان برمکی به‌عنوان یکی از نخستین و مهم‌ترین خاندان‌های مسلمان ایرانی در دوره‌ی نخست خلافت عباسی، کارنامه‌ای نسبتاً درخشان در حوزه‌ی محیطزیست از خود بر جای گذاشتند که رصد بن‌مایه‌های آن‌ها در پاره‌ای اعتقادات ایرانی- اسلامی میسر است.

بنابراین، هدف این است تا به روشی تحلیلی معطوف به الهیات محیطزیستی، بن‌مایه‌های اعتقادی برمکیان در حوزه‌ی محیطزیست، از دو منبع هویت ایرانی و اسلامی استخراج گردد. بنابراین، ابتدا با اشاره‌ای مختصر به مهم‌ترین کنش‌های سیاسی- فرهنگی برمکیان و نقش آن‌ها در انتقال بخشی از میراث کهن باستانی ایران به دوره‌ی اسلامی، به محیطزیست به‌مثابه‌ی موضوعی پراهمیت پرداخته شود و درنهایت نیز نقش و جایگاه برمکیان در تقویت این نگاه و نگرش ایرانی- اسلامی به محیطزیست مورد تأمل قرار گیرد.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی رویکردها و کنش‌های معطوف به محیطزیست برمکیان پژوهشی انجام نشده است. باوجوداین درباره‌ی برخی تحولات دوره‌ی برمکیان از منظر فرهنگی و نیز برخی جنبه‌های محیطزیست که به‌ویژه در ذیل الهیات محیطزیستی جای می‌گیرند پژوهش‌هایی انجام گرفته که به برخی از این‌ها

اشاره خواهد شد. مقاله‌ی تجلی فرهنگ در زندگی برمکیان نوشته‌ی ظریف صدیقی (بی‌تا)، برمکیان قدرتمندان بزرگ عباسی نوشته‌ی عبدالرفیع حقیقت (۱۳۵۳) مقاله‌ی الهیات محیط‌زیست نوشته‌ی سید مصطفی محقق داماد (بی‌تا) در زمره‌ی این پژوهش‌هاست. در مقاله اخیر تلاش بر آن است با بهره‌گیری از رویکردهای دینی- اعتقادی نقد رویکردهای تخریبی محیط‌زیستی معاصر مطرح شود. پژوهش دیگر با عنوان نقد و بررسی مدل‌های الهیات محیط‌زیست در مسیحیت نوین نوشته‌ی صالح و حسینی (۱۳۹۶) است که پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر آموزه‌های مندرج در مسیحیت، پیوند آن را با مقوله‌های محیط‌زیست مورد واکاوی قرار دهند. این موارد به موضوع این مقاله نمی‌پردازند اما ادبیات بحث را در اختیار می‌گذارند.

برمکیان: یک پیشینه‌ی تاریخی

در باب پیشینه‌ی خاندان برمکی مارکوارت در بررسی منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی و نیز ریشه‌شناسی (۳) واژه‌ی برمک، نتیجه گرفته است می‌بایست مقامی غیرروحانی برای «برمک» قائل شد. او اداره‌ی املاک بی‌شمار نوبهار را در بلخ (مارکوارت، ۱۳۶۸: ۵۰-۵۱) و سرزمین‌هایی فراتر از آن مناطق، از جمله املاک خالصه‌ی رستاق راون در طخارستان علیا (مارکوارت، ۱۳۶۸: ۱۸۱)(۴) را در برمی‌گرفت. درباره‌ی چگونگی ورود نخستین شخصیت‌های خاندان برمکی به روند تحولات دوره‌ی خلفای نخستین عباسی در منابع اصلی و تحقیقاتی مطالب و گزارش‌های فراوانی وجود دارد که تکرار آن‌ها در این پژوهش ضرورتی ندارد. باوجوداین، در منابع درباره‌ی اقتدار نخستین برمکیان اشاره‌هایی شده است. عنوان نمونه، سپردن بازسازی بلخ به برمکیان، نشان می‌دهد که ایشان بار دیگر خاندانی صاحب نفوذ در خراسان شدند. (ابن‌اثیر، ج ۴، ۱۹۸۵: ۳۰۲؛ مسعودی، ج ۴، ۱۹۷۹: ۷۹)

برمکیان و نقش آنان در انتقال سنت‌های ایرانی به دوره‌ی اسلامی

برخی محققان با در نظر گرفتن این رویکردها از جانب برامکه، در نخستین دوره‌های تثبیت خلافت عباسی، از مفهومی با عنوان «مکتب دیوانسالاری برمکیان» سخن گفته و آنان را نماینده‌ی نیرومند دیدگاه‌های ایرانی در تمرکز امور سیاسی و اجرایی دانسته‌اند (سجادی، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۲) اهمیت مقام و درجه‌ی اقتدار برمکیان در دولت مسلمانان تا اندازه‌ای بود که هارون‌الرشید پس از سرکوب و قتل بزرگان این خاندان، بارها از این اقدام خود به شدت ابراز تأسف نمود (جهشیاری، ۱۳۵۷: ۲۰۵-۲۰۳ و مسعودی، ۱۹۶۵: ۲۰۲-۱۹۹) این مکتب دیوانسالاری برامکه در ارتباط با محیط‌زیست، متأثر از

آموزه‌های اعتقادی و باستانی ایرانیان بود که از جانب دین اسلام نیز به صورت مؤکد بدان سفارش شده بود و ریشه در پاره‌ای اعتقادات و باورهای دینی اسلامی- زرتشتی داشت، اینک به تأملی مختصر در منشأها و آبشخورهای این امر، یعنی توجه به محیطزیست نزد دین زرتشتی و اسلام پرداخته خواهد شد.

جایگاه محیطزیست در آموزه‌های اعتقادی- دینی زرتشت و اسلام

در پژوهش‌هایی که تاکنون در باب منشأهای توجه بالا به ارکان محیطزیست نزد ایرانیان باستان و نیز ادوار بعدی تاریخ ایران انجام گرفته است، این نکته به روشنی مورد تأمل قرار گرفته است که بنیان‌های دینی و آموزه‌های اعتقادی در این دو دین، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین محرک‌ها در جهت پرداختن به امور مربوط به محیطزیست، لزوم و ضرورت حفاظت از محیطزیست و تلاش در جهت رونق بخشیدن و شکوفایی دادن به این امر بوده است. در نظام جهان‌شناختی و هستی‌شناسی زرتشتی، مجموعه‌ای از تعالیم و باورهای دینی موجود بود که پیوند معتقدان و باورمندان به این دین را با ارکان طبیعت در کانون توجهات قرار می‌داد و هرگونه احترام و پاسداشت آن را در زمره‌ی اعتقادات و باورهای دینی می‌گنجاند و ناسپاسی، تخریب، از میان بردن و آلودن آن را کفر قلمداد می‌کرد. در مقایسه با مندرجات موجود در سایر ادیان، حجم این آموزه‌ها در دین زرتشتی بسیار قابل توجه بود. بذل توجه به طبیعت، از صرف ادای احترام محض فراتر رفته و جنبه‌ی تقدس داشت. بخش قابل توجه آموزه‌های پیشوای دینی زرتشتی را همین مسئله‌ی طبیعت و چگونگی پیوند با آن و نیز تقدس آن در میان پیروان بود که محتوای سروده‌های مقدس این دین را نیز تحت تأثیر داشت. به‌عنوان نمونه، در فرازهایی از پاره‌ای سروده‌های اوستا، به صورت مستقیم و بی‌پرده، ستایش طبیعت مورد تأکید قرار گرفته و بر جایگاه عناصر چهارگانه‌ی آن در باورهای اعتقادی این دین، به مثابه یک مسئله‌ی قدسی اشاره شده است. «همه‌ی آبهای چشمه‌ساران، آب‌های روان و رودها را می‌ستاییم. سراسر آسمان را می‌ستاییم. همه‌ی ستارگان و ماه و خورشید را می‌ستاییم. سراسر انیران را می‌ستاییم. همه‌ی جانوران آبی و زیر زمینی و پرنده و رونده و چرنده را می‌ستاییم.» (یسنا، هات ۷۱: بند ۹) علاوه بر این، این ستایش‌ها در متون مقدس زرتشتی دایره‌ی وسیع‌تری به خود می‌گیرد و عناصر چهارگانه‌ی آب، باد، خاک و آتش نیز در زمره‌ی عناصر مقدسی شمرده می‌شوند که نه تنها وظیفه‌ی هر شخص معتقدی، حراست و پاسداشت آن است بلکه درعین حال هر کدام از امشاسپندان آئین زرتشتی نیز نگاهبان عناصر چهارگانه قلمداد

می‌شدند و هرگونه بی‌توجهی به این عناصر، توهین و چه بسا کفر تلقی می‌شده است. (نک: یسنا، هات ۳۴: بند ۱۴؛ یشتها، مقدمه، ج ۱، ۱۳۵۶: ۹۵-۹۴؛ رضایی، ۱۳۸۷: ۷۹)

در این آئین علاوه بر چنین تأکیدهایی، حتی تولد زرتشت نیز موجب شادمانی گیاهان و آب‌ها گردیده است. «به گاه زایش و نشو و نمایش آب‌ها و گیاهان شادمان شدند، به گاه نشو نمایش آب‌ها و گیاهان بالیدن، به گاه زایش و نشو و نمای او همه آفریدگان سپنتا مینو به خود مژده رستگاری دادند. (رضی، ۱۳۷۸، بخش اول گائاه، ۲۴ و رضی، ۱۳۷۸: بندهای ۹۳ تا ۹۵ فروردین یشت) در این سروده، زرتشت هدف و غایت خلقت زمین و آسمان را برای انسان و استفاده نیک انسان از آن‌ها می‌داند. (رضی: ۱۳۷۸: ۵۸، بندهای سروده ۴۴ بند ششم) در این بند همچنان آمده است که «وظیفه مردم آن است که با همه جدیت به کار و کوشش از راه راستی و درستی بپردازند و کشت و زرع نمایند و نعمت را بیفزایند بر اساس چنین شیوه و روشی است که سپندارمز (زمین) پناهگاه آسایش بخشی برای مردم می‌شود و زندگی نو می‌شود.» (رضی، ۱۳۷۸، بخش اول، گائاه: ۷۰، سروده ۴۸ بند ۵ و ابراهیم نیا، ۱۳۸۳: ۷-۴) در سروده‌های زرتشت به کرات به مواردی برمی‌خوریم که در آن‌ها در مورد بهتر زیستن از لحاظ تن و روان انسان سخن به میان آمده است. «آنانی که‌ای مزدا، این زمین را خوار می‌دارند که برای تو و آن پیروان آیین بسی گرمی است از گروه زیانکارانند» و درباره زمین بیان می‌دارد که «این زمین (سپندارمز) نیک سودمند را گرمی می‌دارم» اما در سایر فصول مواردی مشاهده می‌گردد که اغلب الهام گرفته از دین آریایی پیش از زرتشت است که در آن‌ها هم تقدیس و توجه به عناصر طبیعی، آب‌ها، گیاهان، جانوران، زمین و غیره مشاهده می‌شود. رضی، ۱۳۷۸، بخش سوم، ۹۷، یسنا، هات ۳۴ و بخش پنجم، ۱۶۵، یسنا، هات ۱۲ و ابراهیم نیا، ۱۳۸۳: ۷-۴)

اگر این فرضیه مورد پذیرش قرار بگیرد که محیط پرورش برمکیان در دوره‌ی قبل از اسلام و حتی تا دهه‌های نخستین اسلامی تحت تأثیر تلفیقی از آموزه‌های بودائی و زرتشتی و مهرپرستی قرار داشته است و این آموزه‌ها پایه‌ای برای جهان بینی آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی الهیات محیط‌زیستی را شکل می‌داد، (به‌عنوان نمونه، آنهایتا الهه آب در اعتقادات ایرانیان همواره حضور داشته است و آب حیات‌بخش، که در مظهر خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود، بهشتی در دل بیابان می‌آفریند. (استرن‌اخ، ۱۳۷۰: ۲۶). باوجوداین، می‌توان سهم آموزه‌های زرتشتی را که در گستره‌ی چشمگیرتر این مسئله را در کانون توجه قرار داده بود، پررنگ‌تر دانست. باید اشاره کرد که در ساختار اعتقادی این دین بود که ظرفیت‌هایی قابل توجه در ایجاد پدیده‌هایی همچون باغسازی، قنات‌سازی و در کل، تلاش برای عمران و آبادانی محیط تئوریزه شده بود. ایرانیان همواره با شیوه‌های ماهرانه، آب را بیش از آن چه که بوده

است می‌نمایانده است. آب در باغ ایرانی در جوی‌ها و سینه کبکی‌ها، فواره‌ها، استخرها و شترگلوها همواره وجود داشته است. (نیک‌طبع، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۱) باغ‌سازی نیز به خوبی و تقریباً با تمامیت می‌توانست لزوم توجه عمیق به محیط‌زیست از منظری زیبایی شناسانه را بازنمایی کند. به کار بردن طرح باغ ایرانی و نیز عناصر و ساختار موجود در آن نیز با اعتقادات ایرانیان هماهنگ بوده است. (اصانلو، ۱۳۸۱: ۴۰) علاوه بر باغ‌سازی، پدیده‌ی قنات با کارکردهای متفاوت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیط‌زیستی؛ به عاملی نیرومند در تحوّل اقتصاد، فرهنگ، تاریخ و ایجاد تعادل بیولوژیک و جلوگیری از تخریب سفره‌های آب زیر زمینی در نواحی خشک و نیمه خشک تبدیل شد. شکویی، ۱۳۷۲: ۱۴۲) با این توصیفات می‌توان گفت که جایگاه والای طبیعت در تفکر زرتشت به‌ویژه پرستش آب موجب گردید تا علاوه بر انتظام انسانی در باغ چشم‌اندازها و بستر طبیعی نیز مطرح گردد. علاوه بر این، با استقرار تمدن اسلامی در دوره بنی‌امیه در سامره و اندلس باغ‌هایی احداث گردیدند که هم‌چنان از باغ‌های ساسانی مورد الگوبرداری قرار گرفته بود. (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۴)

این الگوی مهم در حفظ و زیباسازی محیط‌زیست در دوره‌ی اسلامی تاریخ ایران نیز به باورهای مردمان این سرزمین تزریق شد. در این دوره است که ایجاد باغ‌ها و درخت‌زارها هم‌چنان مورد علاقه ساکنان این سرزمین بوده است. همانند سایر ادیان الهی، دین اسلام نیز انسان را موجودی رانده شده از بهشت می‌داند. (متحدین، ۱۳۷۴: ۷۴) علاوه بر این، اهمیت طبیعت و مظاهر و ارکان و ابعاد آن و لزوم احترام به آن و اهتمام در پاسداشت آن، در متن مقدس مسلمانان نیز بازتاب یافت. این مسئله، با توصیفی که از بهشت و مظاهر طبیعی آن به دست داده می‌شد، پیوندی عمیق داشت؛ درواقع توصیف اجزای مکان نخستین و قرارگاه ابتدایی آدمی که در قرآن از آن با عنوان بهشت یاد می‌شد، آیات قابل توجهی را به خود اختصاص داد. در این آیات به‌ویژه بر فراختاکی، زیبایی، راحتی و آسایش بی‌انتها، وجود جلوه‌های طبیعی و اهمیت عناصر طبیعت در این مکان مانند درختان و آب و هوای معطر و همچنین جایگاه خاک به‌مثابه‌ی عنصری قدسی که آدمی برآمده از آن بود، همگی مورد تأکید قرار گرفته و به توصیف درمی‌آمدند و درعین‌حال نیز تأکیدی مداوم بر لزوم پاسداشت آن‌ها در جهان از جانب آدمی در متن قرآن مندرج بود.

تمامی این الگوها، همراه با جزئیاتی که از ارکان و ابعاد آن به دست داده می‌شد، به‌مثابه‌ی یکی از کهن‌الگوهای دینی و مقدس، در ذهن مسلمانان تثبیت شد و این مسئله، خود را به بهترین شکل، در باغ‌سازی و ایجاد الگویی زمینی از این تصاویر و الگوهای قدسی و آسمانی نمایان ساخت. به‌عنوان نمونه، در آیه‌هایی از سوره‌ی فصلت، طبیعت مظهر خداوند، تسبیح‌گوی او و دارای شعوری ویژه توصیف

می‌شد (فصلت: ۳۷)، در سوره‌ی عنکبوت، جاثیه و انعام نیز طبیعت به‌مثابه‌ی نمادها و نشانه‌هایی از عظمت و علم خداوند قلمداد می‌شد که شناخت خداوند از طریق شناخت بهتر آن میسر بود. (عنکبوت: ۴۴؛ جاثیه: ۵؛ انعام: ۷۵) این موارد در کنار آیه‌های فراوان دیگری که محتوای آن‌ها تأکیدی بود بر اهمیت زیبایی‌شناختی بهشت و اتکای آن بر مظاهر و عناصر طبیعی و پیوندی میان آسایش ابدی آدمی در آن مکان با بهره‌گیری از عناصر طبیعی مانند درختان و جویبارها، میوه‌ها و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های گوارا و غیره برقرار می‌ساخت، (مریم: ۶۳-۶۱؛ زمر: ۷۳؛ رعد: ۲۳) از چند بعد، خود را در مواجهه‌ی مسلمانان به طبیعت نمایان ساخت و افکار و اندیشه‌های آنان را تحت تأثیر قرار داد که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زمینی آن، باغسازی ایرانی، عمران شهری، توجه به نقش عناصر طبیعی در رفاه و زیبایی‌شناسی محیطی و عواملی از این دست بود. به‌عنوان نمونه، در اکثر باغ‌های ایرانی جوی آب از طبقه زیرین کوشک سرچشمه می‌گیرد و پس از ریختن به حوض جلوی عمارت در کل باغ جاری می‌شود. بنابراین می‌توان طراحی باغ ایرانی را کاملاً الهام گرفته از تشبیهات باغ‌های بهشتی در قرآن دانست. از یک منظر توسعه‌ی مالیاتی و تلاش برای رونق بخشیدن به شهرها به‌عنوان مهم‌ترین منابع مالی دولت‌های بعد از اسلام، در توجّه بیشتر به حوزه‌ی محیط‌زیست و بهره‌برداری‌های متنوع از آن مؤثر بوده‌اند. وجود خراج‌گزاری و مالیات برای شهرها که گاه بر اساس نوع و گونه‌ی میوه صورت می‌گرفت سبب رایج شدن و کاشت آن‌ها در نواحی خاصی شد. در کنار آن انتقال سیستم دیوانی ساسانی به دوران اسلامی که بسیاری از امور مالیاتی و خراج‌گزاری آن برای شهرها بر اساس میوه و گونه‌های گیاهی بود به این مورد کمک شایانی کرد. (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۲)

به‌طور مثال، «حسن قمی» در کتاب خویش «تاریخ قم» در باب برپایی باغ‌های قم در زمان ورود اعراب به این شهر می‌نویسد: «و از طرف مشرق رودخانه قم سرا و بستان ولد و جوسق _ قصر کوچک_ و بسیاری از سراها و منظرها تا مسجد جامع قرار داشتند». (قمی، ۱۳۸۵: ۹۷) یا مقدسی از تعداد کثیری گردشگاه‌های شهری و برون‌شهری در نقاط مختلف سخن می‌گوید که فقط با درختان تاک و انگور و یا خرما پوشیده شده است و شامل نه‌هایی می‌شدند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۳۰) این حوقل از بوستان‌های متصل به میدان‌های شهری و نه‌هایی در داخل شهرهای این دوران چون ری سخن می‌گوید که دارای قصرهای روی چمن‌زار با منظر و چشم‌اندازهای وصف‌ناپذیری بودند (ابن حوقل، ۱۳۴۹: ۱۱۰)

محیطزیست در انگاره‌های عمرانی - توسعه گرایانه‌ی برمکیان

برمکیان که حاملان آموزه‌های باستانی ایران در حوزه‌های معماری، کشاورزی و شهرسازی، آن هم در سطحی تقریباً وسیع، به شمار می‌رفتند، جنبه‌هایی از توجه و تمرکز بر حوزه‌ی محیطزیستی را در دستور کار قرار دادند که هم به رونق و شکوفایی شهرها از منظر اقتصادی کمک می‌کرد و هم از این طریق، در تلاش بودند تا زمین را بر اساس همان آموزه‌های اعتقادی، به جایگاه بهتری برای زیستن مبدل سازند. با احتیاط این رویکردهای برمکیان را می‌توان نخستین تلاش‌ها در جهت رونق بخشیدن به حوزه‌های محیطزیستی دانست. روشن است در کارنامه‌ی عمرانی آنان، حوزه‌های متعدد و گوناگونی از معماری، کشاورزی و شهرسازی وجود داشت که با تأمل در بنیان‌ها و کارکردهای هر یک از این فعالیت‌ها، تلاشی پنهانی و البته بعضاً آگاهانه در جهت هر چه بهتر ساختن محیطزیست و حفاظت و نگهداری از آن‌ها را بازایی کرد. در ادامه پاره‌ای از مهم‌ترین ابعاد تلاش‌های آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس گزارش‌های موجود ایده‌ی خالد برمکی در ایجاد و بنیان اولیه‌ی شهر بغداد و نقش وی در انجام چنین اقدامات پراهمیتی، نشان از آمادگی‌های بالقوه و توانمندی بزرگان نسل اول این خاندان، در امور مدیریت شهر و شهرسازی دارد. اهمیت این امر از آنجا ناشی می‌شد که از طرفی مفهوم شهر در آموزه‌ها و باورهای باستانی ایران جایگاهی ویژه داشت و در مفهوم شهر، ایران‌شهر و غیره (که بعضاً هم در معنای کشور به کار می‌برد) در متون مقدس (اوستا) مورد تأکید قرار گرفته بود و تأکیدی قابل تأمل در ساختار آن به‌مثابه‌ی زیستگاه ایرانیان رفته بود. (پویا، ۱۳۹۶: ۵-۳) و از جانب دیگر، شهر به‌عنوان کانونی‌ترین مولفه‌ی اجتماعی - فرهنگی - سیاسی در دوره‌ی بعد از اسلام مطرح شده بود و یکی از مهم‌ترین بنیان‌های توجه فراوان به آن را مسلمانان از سیره‌ی نبوی و شیوه‌ی سلوک ایشان در مدینه فراگرفته (۵) بودند. (بمانیان، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۰) بنابراین، شرکت خالد بن برمک در طرح‌ریزی شهر بغداد (عباس، ۱۹۸۶: ۵) را از این منظر می‌توان بسیار مهم دانست. البته در کنار ایده‌ی تأسیس شهر مهمی چون بغداد، ایده‌های دیگری مانند ایجاد بازارها، باغ‌ها و نهرها و بندآب‌های متعدد بر روی رودخانه‌ی دجله در مرحله بعدی در دستور کار قرار می‌گرفت.

به‌عنوان نمونه، محله موسوم به سویقه خالد (بازارچه خالد) در باب الشماسیه بغداد، اقطاع مهدی خلیفه به خالد بود که وی در آنجا ساکن شد و بعدها یحیی قصر معروف به قصر الطین را در آنجا ساخت و فضل و جعفر هم آنجا نخستین خانه‌های خویش را برآوردند (جهشی‌ای، ۱۳۵۷: ۱۸۹) و بر این

اساس مقوله شهر و شهرسازی، در راستای پیش‌برد ایده‌های برمکیان جهت ساماندهی و مدیریت امور محیط‌زیستی زمانه خود مورد توجه بود. این چنین الگوی محله‌سازی در شهرها، با نام برامکه در پاره‌ای از شهرهای ایران مورد توجه قرار گرفت. برامکه در محله‌های جدیدی که در درون شهرها ایجاد می‌کردند تلاش داشتند در الگویی محدودتر، رویکردهای عمرانی و محیط‌زیستی مورد نظر خود را دنبال کنند. در نزد نویسندگان قرون بعد گزارش‌های دیگری درباره‌ی اقدامات و رویکردهای عمرانی برمکیان در شهر بغداد نقل شده است. از جمله جعفر خواست‌خانه‌ای بیرون از آن محله برای خود بنا کند. وی در جانب شرقی بغداد قصری بزرگ و گران - قصر جعفری - ساخت که بعدها به مأمون منتقل گردید و او پس از ازدواج با پوران دختر حسن بن سهل، آن را به حسن واگذاشت. بعدها معتضد آنجا را توسعه داد و در نهایت در سیل بزرگ بغداد ویران شد. محله این قصر، که قصور دیگر خلیفگان را نیز در بر داشت، محله التاج نام گرفت. (یاقوت، ج ۲، ۱۳۰۰: ۸۸) احتمال دارد محله جعفریه، در بخش شرقی بغداد، نام دیگر آن بوده است و البته این غیر از قصری بود که ابن ابی اصیبعه به مناسبتی برای جعفر نام برده و در جانب غربی بغداد قرار داشت (ابن ابی اصیبعه، ۱۹۶۵: ۱۷۴-۱۷۳) (۶)

هارون املاکی در بغداد به اقطاع یحیی داد (سوق یحیی). بر اساس اطلاعات اندک فعالیت‌های عمرانی و ساخت و ساز شهری در این بخش انجام شد. این املاک پس از انقراض برمکیان به مادر جعفر، همسر یحیی رسید و سپس مأمون آنرا به اقطاع طاهر بن حسین داد. (ابن فقیه، ۱۹۸۸: ۳۰۵). این امر نشان‌دهنده اهمیت فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی و اجتماعی برمکیان در این منطقه بود. همچنین در زمره‌ی اقدامات عمرانی یحیی برمکی، حفر نهر سیحان، حفر نهر ابالجیل و بنای بازاری در بغداد را نام برده‌اند. (جهشپاری، ۱۳۵۷: ۱۳۴؛ ابن قتیبه، ج ۴: ۱۱۰). تأسیس خالد آباد آمل نیز منسوب به اوست که در ایام حکومتش بر طبرستان در آن اراضی قصری ساخت و سپس محله‌ای در اطرافش ایجاد شد که به او منسوب گردید. (آملی، ۱۳۴۸: ۶۰) ابن فقیه نیز شهر منصوره در طبرستان را با بازار و مسجد جامع، ساخته خالد دانسته است. (ابن فقیه، ۱۹۸۸: ۵۸۵). این گونه فعالیت‌های برمکیان علاوه بر جهد و تلاشی که در حوزه‌ی ساختمان‌سازی و گسترش شهر بغداد به‌عنوان مهم‌ترین شهر کانونی دستگاه خلافت انجام دادند، آن را به محیطی دلپذیر و خیالی و آرمانی تبدیل کردند.

افزون بر فعالیت‌های عمران شهری، در حوزه‌های ترویج کشاورزی، انتقال آب از طریق کانال‌ها و نهرها و تلاش برای شکوفایی محیطی با بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های طبیعی نیز اقدامات پراهمیتی چه در بغداد و چه در برخی شهرهای ایران انجام دادند. در این وادی نیز تردیدی نبود که اهمیت مسئله‌ی آب و نقش آن در تداوم حیات و نیز تاثیرات عمیقی که بر هرگونه تحول محیط‌زیستی داشت، در

انگاره‌های اعتقادی قبل و بعد از اسلام جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده بود. اهمیت این اقدامات که با تاکید بر منابع آبی و انتقال آن‌ها انجام می‌شد در این بود که علاوه بر رونق بخشیدن به کانون‌های شهری، شکوفایی و دلپذیر کردن محیط را نیز با خود به همراه می‌آورد؛ اگرچه در وادی نخست، اهداف اقتصادی در اولویت آن‌ها در اجرای این طرحها نمایان بود. نمونه‌هایی از احداث این نهرها توسط خاندان برمکی در منابع ذکر شده است. به‌عنوان نمونه، یحیی برمکی با صرف مخارج هنگفت در عراق نهر قاطول و نهر ابو الحیل را حفر کرد و روان گردانید. (جهشپوری، ۱۳۵۷: ۱۷۷) کانپوری آورده که فضل نیز در بخش شرقی دجله بغداد، نهر فضل برمکی را حفر کرد. بناها و کارهای خیریه فضل در خراسان، خاصه در بلخ و بخارا مهم است. گفته‌اند در بلخ نهری برآورد که مردم را از رنج تهیه آب از دوردست آسوده گردانید و ضعفا و کسانی که قوت آب آوردن نداشتند آسایش یافتند (۷).

گستره‌ی این اقدامات در جغرافیایی وسیع از ممالک اسلامی البته با محوریت ایران و شهرهای آن در غرب، مرکز و شرق انجام می‌گرفت. این امر در واقع نشان از آن داشت که تکاپوهای زیست‌محیطی برمکیان تا چه اندازه می‌توانست هم شهرها و نواحی مجاور دربار خلافت در بغداد را پوشش دهد و هم نیم‌نگاهی نیز به ایران و بازسازی یا احداث بناها و تاسیسات زیربنایی در آن داشته باشند تا هم بر وجوه اقتصادی آن به منظور ارتقای جاذبه‌های محیطی تاکید کنند و هم از منظر ظاهری نیز جلوه‌های بصری زیبای این شهرها را تقویت کنند. به‌عنوان نمونه، فضل بن یحیی برمکی، در بخارا مسجد جامع دیگری، جز مسجدی که قتیبه ساخته بود برآورد و مال بسیاری برای آن خرج کرد. (نرشخی، ۱۳۵۱: ۴۸) و نیز مسجدها و رباطهای دیگر در شهرهای خراسان ساخت. او اول کسی بود که دستور داد در ماه رمضان در مساجد چراغ بیفروزند. (نرشخی، ۱۳۵۱: ۶۶) در بلخ نیز به جای آن قسمت از معبد نوبهار که ویران کرد، مسجدی ساخت. (ابن خلکان، ج ۴، ۱۹۷۱: ۲۹) او همچنین برای جلوگیری از یورش اقوام ترک در الراشت، در اقصای خراسان، میان دو کوه که محل رخنه ایشان بود، دروازه‌ای بنا کرد. (ابن فقیه، ۱۹۸۸: ۳۰۵) گفته‌اند اولین کارخانه کاغذسازی را نیز او در قلمرو اسلام تأسیس کرد و ابو نواس به این مناسبت او را ستود. (کانپوری، ۱۳۴۸: ۲۱۹) در نزدیک دمشق نیز جایی به نام برامکه هست. غیر از جوامع و مساجد، آورده‌اند که یحیی بن خالد، برای کودکان بی‌سرپرست مکتب‌خانه‌هایی رایگان ایجاد کرده بود. (یاقوت حموی، ۱۳۰۰: ج ۲: ۹۱-۹۰)

نتیجه

در این پژوهش تلاش شد تا از منظری معطوف به حفاظت و آبادانی محیط‌زیست در رویکردهای عمرانی خاندان برمکی نگاه شود. فرضیه‌ی این پژوهش این بود که رویکرد عمرانی برمکیان، به‌عنوان نخستین خاندان‌های ایرانی که به بالاترین مدارج سیاسی در دربار خلافت راه یافتند، برتافته از پاره‌ای اعتقادات و باورهای دینی بود که منشأها و آبشخورهای آن را هم می‌شد در دین زرتشت رصد نمود و هم در آموزه‌های اعتقادی اسلامی. بنابراین، مشخص شد که: (۱) توجهی که در ادیان زرتشتی و اسلام به حفظ، پاسداری و درنهایت توصیه به رونق‌بخشی و شکوفایی محیط‌زیست آمده بود ولو در ناخودآگاه شخصیت‌های برجسته‌ی خاندان برمکی، به‌مثابه‌ی عاملی تأثیرگذار در فعالیتهای عمرانی آن‌ها نشان داد و به فاصله‌ی حدود دو قرن از سقوط ساسانیان، به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نیروها در رونق بخشی مجدد به شهرهای ایران مبدل شدند. (۲) اگرچه نمی‌توان درباب این دستاوردهای برمکیان اغراق نمود اما بدون تردید و بنا بر آنچه در منابع تاریخی درباره‌ی فعالیت‌های عمرانی آن‌ها بازتاب یافته است، می‌توان آن‌ها را در زمره‌ی نخستین خاندان‌های ایرانی دانست که در وسعتی نسبتاً چشم‌گیر به تأثیرگذاری مثبت بر محیط‌زیست اقدام کرده و با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌های محیطی - جغرافیایی سرزمین ایران، در تلاش برآمده بودند تا رونقی متناسب با این ظرفیت‌های محیطی در این سرزمین به راه بیندازند. (۳) دستاورد و نتیجه‌ی دیگر این پژوهش این بود که همسانی‌ها و تشابهات موضوعی و محتوایی در برخی آموزه‌های اعتقادی زرتشتی و اسلامی مشروعیت توجه به محیط‌زیست به‌مثابه‌ی امری مقدس را فراهم ساخت و همین موضوع، رویکردی کنش‌گرانه و فعالانه را از جانب نهادهای سیاسی - فرهنگی اسلامی - ایرانی به همراه آورد و در نتیجه‌ی این رویکرد، تلاش برای آبادانی و شکوفایی محیط‌زیست به مسئله‌ای پراهمیت مبدل گشت.

پی‌نوشت:

۱- محیط‌زیست به همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد، گفته می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند. محیط‌زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط‌زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط‌زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که انسان را احاطه می‌کنند خلاصه کرد. تفاوت محیط‌زیست با طبیعت در این است که تعریف طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی می‌شود که منحصرأ در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که عبارت محیط‌زیست با توجه به برهم‌کنش‌های میان انسان و طبیعت و از دیدگاه بشر توصیف می‌شود. (دانشنامه رشد، ذیل محیط‌زیست: ۱۳۸۸)

۲- سیاست‌ها عمرانی و بحث از آن‌ها به‌ویژه سیاست‌های محیط‌زیستی و مباحثی همچون الهیات زیست محیطی، هرچند مباحثی نوین به شمار می‌روند اما با نگاه بازتر و مبسوط‌تر به سیاست از سویی و مباحث مطرح شده ذیل موضوعات سیاسی و محیط‌زیستی از سوی دیگر و عدم اصرار بر انطباق مفاهیم مدرن بر داده‌های تاریخی گذشته با تسامح (و آگاهی نگارنده به چارچوب‌های تاریخی) می‌توان بخشی از کنش‌های تاریخی حاکمان و نخبگان ادوار گوناگون تاریخ را در قالب این مفاهیم مدرن تشریح نمود؛ بنابر آنچه گفته شد در این پژوهش از آنجا که تأثیر دو گفتمان دینی زرتشتی و اسلامی بر کنش‌های عمرانی و محیط‌زیستی برمکیان مورد تأمل قرار می‌گیرد لذا می‌توان و یا ضرورت دارد که برای تقریب به ذهن این منشأهای دینی از مفهوم الهیات زیست محیطی بهره گرفت در این مفهوم در ارتباط میان الهیات دینی و پیوند محیط‌زیست با آن بحث می‌شود. درواقع این الهیات در پی آن است که با استفاده از سنت دینی به تبیین چرایی و چگونگی رابطه میان انسان با محیط‌زیست و نیز بعضاً چاره‌جویی و جلوگیری از بحران در این حوزه پرداخته می‌شود. به تعبیر دیگر الهیات زیست محیطی به دنبال تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی به‌عنوان فعل خداوند است؛ به گونه‌ای که در پرتو آن، نقش و جایگاه انسان در مواجهه با طبیعت روشن و واضح می‌شود. (صالح و حسنی، ۱۳۹۶: ۴)

۳- به نظر برخی پژوهشگران معنای لغوی و ریشه‌شناختی برامکه پرتوی بر منشاء اعتقادی- دینی آن‌ها دارد. این واژه از واژه سانسکریت پَره مَکه (پرمکا)، به معنای رئیس (بوا، ج ۱، ۱۳۵۲: ۳۵)، و به‌طور عام‌تر «برمک» پرده‌دار و کاهن معبد نوبهار بود. پادشاهان هندوچین با تقدیم هدایا، هنگام بار یافتن بر دست‌های او بوسه می‌زدند (ابن‌فقیه، ج ۱: ۲۹۳) واژه «نوبهار»، همچنین با سرگذشت پیش از اسلام این خاندان گره‌خورده، و نام پرستشگاهی در شهر بلخ بود که به دستور کیقباد ساخته شد (قزوینی، ۱۹۸۴: ۳۳۱ و مارکوارت، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۸۱) و منزلت مکه را برای پارسیان داشت (ابن‌خلکان، ج ۶: ۱۹۷۷: ۲۱۹). اگرچه معلوم نیست نوبهار آتشکده بود یا معبد بودائی، و از این‌رو برمکیان را ابتدا زردشتی و نوبهار را آتشکده دانسته‌اند که مقارن ظهور اسلام به دین بودائی گرویده و نوبهار مرکز مهم بودائیان باختر شد (حیبی، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۲)

۴- در آنچه در منابع اصلی نیز در پایگاه اجتماعی برمکیان آمده است واژه‌ی «نوبهار»، معمولاً با سرگذشت پیش از اسلام این خاندان گره‌خورده است و نام پرستشگاهی در شهر بلخ بوده است که به دستور کیقباد ساخته شده بوده است. (ابن‌خلکان، ج ۶: ۲۱۹؛ مقدسی، ج ۶: ۱۰۴؛ مسعودی، ج ۲: ۳۸۱-۳۸۲) علی‌رغم وجود برخی روایت‌ها و گزارش‌های دیگر اما برخی محققان بر این نظرند که اخبار و گزارش‌های موجود درباره‌ی نیای برمکیان ابهام‌آمیز و گوناگون است و گاه به راه افسانه رفته است. (بوا، ۱۳۵۲: ۳۵-۴۲)

۵- برای مطالعه بیشتر درزمینه‌ی علل تأسیس شهرها در ایران باستان و نیز دوره اسلامی نگ: یوسفی‌فر، شهرام، الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران، دو فصلنامه پژوهشی تاریخ ایران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۴، بهار ۱۳۸۹ ش، صص ۱۵۸-۱۵۲

۶- یکی از نویسندگان، خانه‌های یحیی و فضل و محمد را در سوق یحیی، و سوق یحیی را در شماسیه دانسته و آورده‌اند که برمکیان اراضی شماسیه در رصافه (کذا) را خریدند و خانه‌های خویش را در آنجا ساختند و قسمتی را به بینوایان اختصاص دادند. (کانپوری، ۱۳۴۸: ۹۹) ظاهراً او منازل برمکیان در سویقه خالد را با سوق یحیی درهم‌آمیخته و سویقه خالد را مشتمل بر دکان‌های غذا پزی متعدد دانسته است. (کانپوری، ۱۳۴۸: ۱۰۰-۹۹)

۷- شدت مبالغات درباره اقدامات فضل در منابع تا آنجاست که به روایتی از شاد بن فضل، پیامبر (ص) در خواب برو ظاهر شد و بشارت داد که نامش بر بالای نام‌های اهل بهشت قرار گرفته است. (بلخی، ۱۳۵۰: ۳۸)

منابع

- آذر گشسب، اردشیر (۱۳۵۸)، خرده اوستا، بی جا، تهران.
- ابراهیم نیا، رضا (۱۳۸۳)، اهمیت محیطزیست در ایران باستان، تاریخ پژوهی، پاییز - شماره ۲۰.
- ابن ابی اصیبه، موفق الدین (۱۲۹۹)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، به کوشش نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵ م، و به کوشش اوگست مولر.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بی نا، بیروت ۱۹۸۵
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۸۵۸)، الفخری فی الأَداب السلطانیة و الدول اسلامیة، گریفزولد.
- ابن فقیه همدانی، ابو بکر احمد بن محمد (۱۹۸۸)، البلدان، به کوشش یوسف الهادی، بیروت.
- ابن الفقیه، احمد بن محمد (۱۳۴۷). مختصرالبلدان: بخش مربوط به ایران. ترجمه ح، مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۷)، وفیات الاعیان، چاپ احسان عباس، بیروت.
- استروناخ، دیوید (۱۳۷۰)، "شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران"، ترجمه کامیار عبدی. مجله اثر. ش ۲۲ و ۲۳، صص ۷۵-۵۴.
- اسحاق بن ندیم، محمد بن (۱۳۸۱)، الفهرست، ج ۲. ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.
- اصانلو، حسن (۱۳۸۱)، باغ‌های ایران و چهار باغ، ساخت و ساز، شماره ۱۸.
- آملی، اولیاء الله (۱۳۴۸)، تاریخ رویان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران.
- بلخی، ابو بکر عبد الله بن عمر (۱۳۵۰)، فضایل بلخ، ترجمه فارسی عبد الله محمد بن محمد بلخی، به کوشش عبد الحی حبیبی، تهران.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، "معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی- اسلامی: مبانی نظری و مصداق‌ها"، مجله شهر پایدار، شماره ۱.
- بووا لوسین (۱۳۵۲)، برمکیان به روایت تاریخ‌نگاران عرب و ایرانی، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۳)، "مقاله باغ‌های ایرانی"، مجله آبادی شماره ۱۵.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۹۸۸)، کتاب الفرج بعدالشدۀ، بیروت: چاپ عبود شالنجی.
- جنیدی، فریدون (۱۳۷۸)، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران: نشر بلخ
- ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۷۶)، تاریخ ثعالی، ترجمه محمد فضائلی. تهران: نشر نقره.
- جهشیاری، ابو عبد الله محمد بن عبدوس (۱۳۵۷)، کتاب الوزراء و الکتاب، به کوشش حسن الزین، بیروت، ۱۴۰۸ ق، و به کوشش مصطفی السقا و دیگران، مصر.

حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۰۰)، معجم البلدان، ۲ ج. ترجمه علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- دانش دوست، یعقوب (۱۳۶۹). باغ ایرانی، اثر: ش ۱۸ و ۱۹، ۲۲۴-۲۱۴.
- رضی، هاشم (۱۳۷۸)، اوستا، گاتاها، یسنا، یشتها، ویسپرد و خرده اوستا، تهران: بهجت.
- رضایی، رضا (۱۳۸۷)، آئین زیست در ایران، تهران، بی جا
- شکوئی، حسین (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت
- عباس، احسان (۱۴۰۸)، شذرات من کتب مفقود فی التاریخ، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- عقبلی، حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، آثار الوزراء، تهران: چاپ جلال‌الدین محدث ارموی.
- فاضلی پور، طوبی (۱۳۸۰). تاریخ کشاورزی در دوره ساسانیان. تهران: انتشارات پژوهنده.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ قم. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- قنات میراث فرهنگی و علمی ایرانیان (۱۳۸۳)، سمینار ملی قنات.
- کانپوری، محمد عبد الرزاق (۱۳۴۸)، برمکیان، ترجمه سید مصطفی طباطبائی، رام. و. بودراجا، تهران.
- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۵۴)، مالک و زارع در ایران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مارکوارت، ژوزف (۱۳۶۸)، ایرانشهر: بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- متحدین، حبیب‌الله (۱۳۷۴)، باغ ایرانی پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- مجمّل التواریخ و القصص (۱۳۱۸)، تهران: چاپ بهار.
- محبوب، محمد جعفر (۱۳۴۹)، درباره کلیله و دمنه، تهران.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۹۶۲)، کتاب البدء و التاریخ، چاپ کلیمان هوار، پاریس ۱۸۹۹ - ۱۹۱۹، چاپ افسست تهران.
- مهربانی گلزار، محمدرضا (۱۳۹۱)، "کشف ساختار فضایی و منظرین مجموعه پاسارگاد"؛ مجله منظر، شماره ۲۰، پاییز.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۷۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: چاپ شارل پلا.
- نرشخی، ابو بکر محمد (۱۳۵۱)، تاریخ بخارا، ترجمه احمد بن محمد بن نصر قباوی، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: طوس.
- نظریان، اصغر (۱۳۷۴)، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- نیک طبع، پروانه (۱۳۷۹)، قوانین مالکیت و بهره‌برداری از آب قنات، یزد: همایش بین المللی قنات.
- نیلوفری، پرویز (۱۳۶۳)، باغ‌های ایرانی، جهاد دانشگاهی چاپ اول.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۹)، "الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران"، دوفصلنامه پژوهشی تاریخ ایران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۴.